

ساختار معماری محله‌ای در بافت‌های کویری ایران

The structure of neighborhood architecture in the desert
tenture of Iran

توسط : احمد دانائی نیا

By: A.Danaei Nia

کارشناس ارشد مرمت و احیاء ابنیه و بافت‌های تاریخی

مدرس دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان

Senior Expert (MA), Repair and renovation of historical
constructions

Lecture, faculty of architecture and art's Kashan University

بهمن ۱۳۸۴

Jan 2006



همایش علمی منطقه ای معماری کویر

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردستان

فروردین ۸۵

به نام یگانه معمار هستی

ساختار معماری محله‌ای در بافتهای کویری ایران

ساختار معمای محله‌ای در بافت‌های کویری ایران

کلیدواژه: محله، شهر، کالبد، محیط،

انسان، نیازهای رفتاری، پاسخ محیطی

انسان با بهره‌گیری از خرد اقلیمی و با درک صحیح از مکتب طبیعت، فضای معمارانه‌ای آفریده که امروزه مورد تحسین و تمجید همگان قرار گرفته است. در این میان بررسی نظام و الگوی ساخت معماری محله‌ای که خود حاصل همین درک است، از شاخصه‌های اصلی شناخت بافت‌های کویری است.

معماری کویر، معمای چهره به چهره است؛ از این نگاه کلیه المانهایی که دست به دست هم، محله و نهایتاً شهر را می‌سازند اگرچه به لحاظ کالبد و ساختار دارای نظامی مستقل می‌باشند اما جملگی در ایجاد تعادل پایدار محلی و شهری در تلاشند. دیوار یک خانه از یکسو حایل محیط درون از بیرون است و به فضای داخلی محصوریت می‌بخشد و از سویی همین دیوار، جداره محله است که نهایتاً سیمای شهر را می‌سازد؛ لذا چگونگی رسیدن به یک فضا همان اهمیتی را دارد که بودن در فضا.

معماری محله‌ای زاینده شعور بصری و درک عمیق انسان از محیطی است که مهمترین درس آموز او طبیعت است. آنچه به معماری محله‌ای نظام و سامان می‌دهد درک رفتاری و نیازسنجی معمار از نیازهای منطقی انسانی است؛ بطوریکه توانسته به تمامی خواسته‌های معنوی و مادی شهروندان، پاسخ مثبت دهد.

در این مقوله سعی بر این است تا ضمن تبیین مفهوم محله در ساختار شهر، به ویژگی‌های معماری محله‌ای نظیر حریمیت، نحوه استقرار، سلسله مراتب دسترسی، ویژگی‌های بصری، تباین، انطباق با محیط، شعاع دسترسی و .. بعنوان بخشی از توسعه پایدار شهری پرداخته شده و به نوعی روشهای ارتباط بصری سازگار و همگون میان فضاها را بازنمایی نماییم.

احمد دانایی نیا - کارشناس ارشد مرمت و احیاء ابنیه و بافت‌های تاریخی
مدرس دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان

نشانی محل کار: کاشان - انتهای خیابان طالقانی - دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان -

گروه معماری

منزل: تهران - زعفرانیه - خیابان شهید مرادنی (زاله زر) نبش کوچه جلال پلاک 57

طبق سوم:

Email: Danaei _ Nia@yahoo.com



پیشگفتار:

در دهه‌های اخیر با توجه به بی‌مهری‌هایی که از جانب تفکر معماری وارداتی بر پیکره بافت‌های تاریخی وارد گریده از هویت اینگونه بافت‌ها کاسته شده و به فضاهای مساله دار تبدیل شده‌اند.

در این میان یکی از زیر ساخت‌های مهم در معماری شهرهای تاریخی که همانا معماری محله است، خدشه‌ها و لطمات جبران ناپذیری یافته است. مردم گریزی افراد اصیل و بومی و در نتیجه جایگزینی افراد غیر بومی و ناآشنا به این فضاها و حتی کشیدن شدن این صدمات زیستی به بافت‌های مجاور، کار را بدان جا رسانده که قدرت تصمیم‌گیری در امور شهر و محله بهترین راه حل و یا بهتر بگوییم سهل الوصول‌ترین راهکار را، تخریب اینگونه فضاها و جایگزینی المان‌های غیر همسرخ بدانند.

نکته قابل ذکر آنکه، آنچه را ما تحت عنوان دخالت در بافت‌های تاریخی می‌نامیم در واقع نوعی الگو برداری و مونتاز معماری از کشورهای توسعه یافته‌ای است که ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شان با کشورهایی همچون ما به کل متفاوت است؛ به تعبیری ما می‌خواهیم آنچه را که کشورهای توسعه یافته در طی چند قرن آموخته بودند را در مدتی کوتاه طی کنیم. در کشورهای مذکور شهرسازی با کلیه دستاوردهای صنعتی‌اش از جمله خودرو سازگار شده بود و تغییرات بعمل آمده از آنجا که متناسب با نیازهای اجتماع در حال تحول بود، کاملاً شکل بومی به خود گرفته بود. حال آنکه نتیجه این طرز تفکر در کشوری همچون ایران، از هم پاشیدگی نظام مدیریتی شهر و محله و دور افتادن از الگوهای توسعه گام به گام و متناسبی بود که می‌بایست آنرا در درون خود جستجو می‌کرد. معماری محله‌ای به عنوان یک جریان پایدار، زیر مجموعه‌ای از شهر تلقی می‌گردد که شهر بدون آن قدرت حرکت نخواهد داشت. لذا چنانچه از مجموعاً شهر پویایی، حرکت و رونق انتظار می‌رود، پرداختن به سلول‌های اصلی شهر که همانا محلات می‌باشند باید در سرلوحه فعالیت‌ها قرار گیرد.



کدام اندیشه‌ای را می‌توان تاثیرگذارتر از معماری یافت که به طور عمیق با ضمیر انسان مانوس باشد. از اینرو شاید بتوان والاترین هدف معماری را تعالی بخشیدن به هدف زندگی دانست. معماری کاشتن بذر تفکر در روان فردی و اجتماعی افراد است. نمی‌توان از اجتماع آرامش، تفاهیم، همدلی، هماهنگی و مشارکت انتظار داشت، حال آنکه فضای طراحی شده عاری از این الگوها باشد. لذا طراحی مجموعه‌های معماری باید قدرت تفکر را در افراد بالا برده و به نوعی آستن اندیشه‌ای نو باشد. این مجموعه‌ها باید هماهنگ، منسجم و قدرتمند در کنار هم قرار گرفته و مجموعه‌ای واحد بسازند. معماری باید همچون ادبیات و موسیقی وحدت و هارمونی داشته باشد. آیا ابیات یک غزل و یا نت‌های یک قطعه موسیقی می‌توانند لجام گسیخته گرد هم آیند اما نهایتاً حرکتی هماهنگ و موزن داشته باشند. حرکت اجزاء در معماری نیز چنین است. رابطه میان عملکرد و فرم ریخت پلان، ترکیب‌نماها، همنشینی با محیط و غیره و غیره جملگی باید در جهت آفرینش یک اندیشه نو اما هماهنگ گام بردارند.

اگر به معماری به چشم یک تولید فرهنگی و نه ساخت در و دیوار و خشت نگاه کنیم، رسالت و جایگاه معمار و معماری حساس و حساس‌تر می‌شود. نبض خلق و ابداع فضاهای معماری در گذشته‌ای که آنرا تحت عنوان تاریخ و معماری سنتی می‌نامیم در دست افرادی بود که توانسته بودند در حفظ زنجیره، تداوم، بقا و شخصیت دهی به آنچه که معماران پیش از خود آفریده بودند، موفق عمل نمایند و اگر امروز لب به تحسین گذشتگان می‌گشاییم، هدف تحسین آن اندیشه‌ای است که خود را حلقه‌ای واسط میان قبل و بعد می‌دیده و با چنین تفکری، خلق فضا می‌کرده است. فضایی که منتهای هدفش برقراری نظم پایدار در روح و روان افرادی است که در حصار بنام شهر زندگی می‌کنند.

در این مقاله تلاش خواهد شد تا ضمن تبیین مفاهیم معماری محله و جایگاه آن در ساختار شهر، ویژگی‌های عملکردی اینگونه فضاها به تصویر کشیده شده تا در پس این نگاه، بازخوانی مجدد چند نکته میسر گردد.

- تاکید بر ساختار قوی معماری محله در بافت‌های کویری بعنوان ارزشمندترین پتانسیل‌های بالقوه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی.

- بازخوانی، بازپیرایی و ساماندهی مجدد این الگوهای اصیل و تخصیص سهم قابل توجهی برای آنها در ایجاد رونق و حیات شهرهای امروزی.

- لزوم توجه معماران و طراحان در فضاهای میان افزا به الگوهای حاکم بر این نوع معماری و توجه به معماری زمینه در امر خلق و ابداع معماری.

شهر چیست؟ عناصر سامان دهنده شهر کدامند؟

کیفیت مطلوب در فضای شهری چیست؟

شهر ظرفی است که شهروندان مظلوف آندند. مظلوف آنگاه دارای شخصیت و هویت می‌گردد که ساختار شهر در برگیرنده الگوهایی سالم باشد.

آیا شهر امروز توانسته فضایی در خود کرامت و شخصیت انسان بسازد و نیازهای منطقی او را بر طرف نماید؟

چنانچه بخواهیم شهری را شهر سالم بنامیم باید پارامترهای اصلی ذیل را در آن بیابیم:

- توجه به عناصر مقدس آب، باد، خاک و گیاه و کاربرد آن در ساختار معماری شهر و در نتیجه همپیوندی میان انسان، طبیعت و معماری.
- توجه جدی به الگوهای توسعه پایدار در روند ساخت و گسترش فضاهای شهری.
- درک نیازهای رفتاری انسان در گذر زمان.
- پاسخ محیطی و عملکردی نظام شهری و محلی در ساخت واحدهای معماری.
- تقویت الگوهای مشارکت مدنی شهر و محله با نگاه ویژه به نقش و حضور انسان.
- توجه به هویت شهر و محله از یکسو و محله و واحد از سوی دیگر.



- ارائه کیفیت مطلوب فضاهای شهری و محلی پیش از پرداختن به کمیت آن.

- ارتباط بصری سازگار و همگون میان فضاها.

- نظام صحیح محله‌بندی.

با داشتن چنین شاخصه‌های کیفی است که شهر می‌تواند عرض اندام نموده و مفهوم واقعی خود را بیابد. از این نگاه شهر به مثابه محله و محله در گستره شهر بررسی می‌شود؛ محله حلقه‌ی رابط میان کالبد و شهر است. بسان زنجیره‌ای است که به شهر معنی می‌بخشد.

معماری محله‌ای چیست؟

مجموعه الگوها و ساختارهای معماری اعم از کالبدی، معیشتی، روحی، روانی، زیباشناختی و ... معماری محله را می‌سازند. این الگوها اگرچه با شرایط مکانی در حال تکامل‌اند اما به لحاظ مکانی تابع الگوهای ثابتی است. در معماری محله، جایگاه هر یک از انواع فضاهای عملکردی و خدماتی مشخص است و برای رسیدن به هر فضا، سلسله مراتبی لازم است. لذا تغییر نابجا در هر یک از الگوها، این موازنه را بر هم خواهد زد.

عناصر سازنده معماری محله کدامند؟

محله، همچون شهر ابزاری دارد که با آنها تعریف می‌شود و صاحب خود واقعی می‌گردد.

این ابزارها عبارتند از:

- انطباق با محیط

- همپیوندی عناصر

- پاسخ به نیازهای رفتاری

- حریمیت فضا

- برانگیزاننده قدرت تفکر

- برانگیزاننده حس مشارکت در افراد

- تلفیق عمیق عناصر مذهبی و اجتماعی با بافت مسکونی

- متباین بودن فضاها

- رعایت سلسله مراتب دسترسی

- شعاع دسترسی مناسب و متناسب

- وضوح و روشنی

- تعریف صحیح و درست شریان‌های دسترسی از کالبد به محیط و بالعکس

- بیان صحیح مفاهیم متناسب با نوع کاربری‌ها.

با در نظر داشتن اصول و مفاهیم فوق در طراحی معماری محله، کلمات (تک فضاها) و فصول (محله‌ها) معنی پیدا کرده و کتاب شهر ساخته و پرداخته می‌گردد. در ادامه به تبیین این اصول خواهیم پرداخت.

انطباق با محیط:

یکی از بهترین اصول حاکم بر طراحی اینگونه فضاها رعایت اصل انطباق با محیط است.

این انطباق از دو زاویه قابل بررسی است:

الف - انطباق با اقلیم

اینکه ترکیب مجموعه‌های معماری در سطح حرکت کند یا ارتفاع، متراکم باشد یا باز، خطی باشد یا شعاعی، از چه مصالحی پیروی نماید، دارای چه عرصه‌ای باشد و ... همگی از آیت‌هایی است که در اصل انطباق معماری با اقلیم مطرح است. معماری پایدار علاوه بر دارا بودن خصیصه‌های منحصر به فرد معماری باید در وهله اول با اقلیم و عناصر سازنده آن منطبق و سازگار باشد.



ب - انطباق با توپوگرافی

که ریخت کلی یک مجموعه و نحوه استقرار واحدها را در سطح، عمق و یا ارتفاع مشخص می‌کند. توپوگرافی و شیب زمین گاه خود باعث شکل‌گیری مکان‌یابی و استقرار محله‌ها می‌شود. اصطلاح محله بالا و محله پایین، زیر ده و بالا ده و واژه‌هایی از این دست که در نام‌گذاری محله‌های تاریخی به وفور دیده می‌شود، از مصادیق بارز این انطباق است.

همپیوندی عناصر

از آنجا که هدف نهایی در طراحی معماری تامین کلیه فضاهای مورد نیاز شهروند است، بدین منظور لازم است تا اجزاء به نحوی کنار هم قرار گیرند که کلیه المانهای مورد نیاز در هر محله را تامین نمایند، ضمن آنکه استقلال ذاتی فضاها کاملاً تعریف شده و از سویی ادغام در روابط فضایی دیده نشود. ترکیب و همجواری المانهای مسکونی، بازارچه‌ها، مساجد محلی، آب انبارها، حسینیه و تکایا، گذرها و شریان‌های ارتباطی در بافتهای تاریخی ایران بویژه در شهرهای کویری ایران همچون اردستان، نائین، زواره، کاشان، عقدا و ... از مصادیق بارز این اصل است.

این زنجیره ارتباطی بنحوی کنار هم گرد آمده اند که علیرغم اینکه در دوره‌های مختلف شکل گرفته و صاحب تفکری مستقل می‌باشند اما هیچگاه پیوند با پوسته‌ها و فضاهای گذشته شان را نادیده نگرفته و مکمل آن گشته‌اند.

در این میان مراکز محله که در حکم واحدهای اجتماعی آن هستند نقش مهمی در همپیوندی عناصر ایفا می‌کنند.

پاسخ به نیازهای رفتاری

کدام الگوی معماری را به قدرت معماری سنتی سراغ داریم که بتواند جنبه‌های وجودی شهروندان در بافت را ارزش و اعتبار ویژه‌ای ببخشد.

در این بحث مراد از رفتار، مجموعه کنش و واکنش‌های فرد در برابر محیط و محیط در قبال فرد است که در برگیرنده رفتارهای مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، بصری و ... است. نگاه واقعی شهر به بافت مسکونی، متفاوت از آن چیزی است که امروزه به تعریف درآورده‌ایم.

سمنان. 1. مجموعه مسجد جامع - 2. بازار - 3. مسجد سلطانی - 4. تکیه پهنه - 5. امامزاده یحیی

اردکان. بخشی از سیمای شهر: هویت، اقلیم، منظر و ...

اردکان. بخشی از سیمای شهر: هویت، اقلیم، منظر و ...



معماری محله در برگزیده آن نوع تفکری است که احساس تعلق خاطر شهروند به محیط را افزایش داده و قدرت تفکر را در

او بارور می‌کند. آنجا که بحث نیازهای روحی - فطری است، مساجد، تکایا و حسینیه‌ها. آنجا که بحث رفع مایحتاج روزانه است، بازارچه‌های محلی و

به همین نحو. این چنین پیش‌بینی در رفع مایحتاج، زمینه مشارکت‌های اجتماعی افراد را بالا بره و حس تعاون را در آنها بارور می‌کند. نگاهی کوتاه به طراحی شهرها و شهرک‌های تازه احداث شده در کشور که با عنوان واحدهای خودیار طراحی شده‌اند، ضعف عمیق اینگونه فضاها را آشکار ساخته و نادیده انگاشته شدن تمامی ابعاد وجودی و فطری انسان را به نمایش می‌گذارند.

محرمیت فضاها:

آنجا که بحث از محرمیت فضاها پیش می‌آید واژه قلمرو در ذهن تداعی می‌شود. قلمرو حریمی است که فرد بمنظور ایجاد حس تعلق به مکان برای خود ایجاد می‌کند.

میزان تردد افراد در فضا بالاترین شاخص تمیز و تفکیک اصل قلمرو است. جالب آنکه حتی المانهایی که در اشل محله تعریف می‌شوند نظیر مساجد، آنجا که با بافت مسکونی درگیر می

شوند، اشلی در حد یک فضای کالبدی پیدا می‌کنند تا بدانجا که مناره از معماری مساجد حذف

شده و به گلدسته تبدیل می‌شود (بدلیل جلوگیری از اشراف). معماری مسکونی در سطح گسترده شده و بازارچه‌های محلی در مکانی خاص، تعریف می‌شوند و دسترسی افراد به فضای مرکز محله نیز با رعایت سلسله مراتبی صورت می‌گیرد.

سلسله مراتب دسترسی

اردکان. دربند خاتمی؛ ورود به فضای نیمه خصوصی

ذهن انسان برای حضور در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی، سلسله مراتبی را می‌طلبد. فضای خوب شهری، فضایی است که بتواند زمینه این حضور را بهتر فراهم کند. با چنین نگاهی فضاها را مختلف عملکردی به طریقی مطلوب گرد هم آمده و یکدیگر را تقویت می‌کنند. ویژگی های

این سلسله مراتب عبارتند از:

- چیدمان صحیح و جلوگیری از ادغام عملکردها.

- مکان‌یابی مناسب و متناسب.

- نشانه شناسی قوی.

- تفکیک گذرها براساس درجه عملکرد.

کاشان. بخشی از محله طاهر و منصور: شریانهای اصلی و فرعی

متباین بودن فضاها

کاشان. بخشی از محله طاهر و منصور: شریانهای اصلی و فرعی

کوتاه و بلند، کم و زیاد، سبک و سنگین، تفاوت در احجام، حرکت از تاریکی به نور، حرکت از فرعی به اصلی، از جمله شاخصه‌هایی هستند که در ایجاد فضای متباین تاثیر گذارند.

برخی از خصوصیات تباین در فضا از این قرارند:



- ایجاد کشش و حرکت به نقاط مختلف بافت.

- تعریف و تبیین فضای جدید (حرکت از یک فضا و حضور در فضای جدید)

- شکل گیری نقاط مکث.

- ایجاد تنوع بصری.

شعاع دسترسی مناسب و تناسب

چیدمان و نحوه استقرار فضاهای مختلف بافت به گونه ای است که ساکنین جهت رفع مایحتاج روزانه و هفتگی خود کمترین مسافت را تا مرکز محله طی می کنند. این شعاع دسترسی از بخش های مختلف بافت به مرکز محله از حداکثر 1200 متر (5 دقیقه) تجاوز نمی کند. ویژگی های این ساختار عبارتند از:

- گفتمان صحیح میان فضای مسکونی و اجتماعی

- بهره مندی نسبی و متعادل همه ساکنین از مرکز محله.

- استقلال عملکردهای محلی از عملکردهای شهری در عین ارتباط قوی و تنگاتنگ آنها.

جمع بندی

1. معماری محله ای زائیده شعور ذاتی معمار از فضا است. نوع نگاه به اینگونه فضاها بهره گرفته شده از معرفت اصیل اسلامی است که در آن

انسان بعنوان موجود برتر مطرح بوده و کلیه ابزارها در جهت تعالی روح و دستیابی او به مرتبه های والای انسانی است.

2. معماری محله مدیریت اجتماعی شهر را بر عهده دارد. تلاش می کند تا زمینه حضور انسان را در شهر تقویت نماید.

حس مشارکت در عرصه های جمعی را بالا برده و در پس این حضور، چرخ حیاتی شهر به حرکت درآید.

3. توجه به الگوهای معماری محله نه بعنوان الگوی تاریخی صرف که احیاء نگرش به کل معماری است. با چنین دیدگاهی وظایف معمار از حد

ساخت و ساز خارج و به دغدغه های اصلی اجتماعی - فرهنگی او تبدیل می شود. بخش قابل توجهی از حیات شهر در محله اتفاق می افتد.

محله ها گره های اجتماعی شهرند. در الگوی توسعه پایدار شهر نمی تواند بدون توجه به این الگوهای زیر ساختی به حیات

مدنی خود ادامه دهد.

4. جان روابط مردم امروز، سرد و بی روح است. امروزه طراحان معتبر دنیا با نگاه به الگوهای معماری محله ای، سعی در بازسازی روابط اجتماعی

مردم نموده اند. الگوهای معماری همسایگی در محله های تاریخی و تحلیل نحوه مشارکت مردم در اینگونه بافتها، مورد توجه طراحان قرار

گرفته و به طراحی واحدهای خودیاری دست زده اند.

5. آگاهی بیشتر نسبت به زمینه (معماری اصیل گذشته) یکی از وظایف اصلی معماران، شهرسازان و دست اندر کاران امر ساخت و ساز است. باید در

روند ساخته ها به الگوهای معماری پایدار توجه شود. در این نگاه معماری محله، بعنوان زمینه ای دیده شده که ساخت و سازهای جدید باید با

یک انطباق صحیح به زمینه متصل شوند.

6. ما هنوز نتوانسته ایم به مفهوم درستی از زمان دست یابیم. نتوانسته ایم میان قدیم و جدید به درک واحدی برسیم. برای

نیل به این هدف رعایت چند الگو ضروری جلوه می کند.

- بازنمایی مجدد آنچه را که تحت عنوان هویت می نامیم.

- ایجاد تشابه خانوادگی در پیدایش فرمها و الگوهای جدید و اتصال آن به زمینه به نحو مطلوب.



- ابداع فرم‌های جدید با رعایت وحدت فرم، وحدت عملکرد و با همان تأثیر بصری فرم‌های قدیم.
در پس چنین طراحی است که چشم حس می کند عنصری متجانس، به محیط اضافه شده است.

پایان



کتابشناسی

- برولین، برنتسی. معماری زمینه گرا. سازگاری ساختمان‌های جدید و قدیم. ترجمه رضا زاده، راضیه. تهران: نشر خاک، 1383.
- توسلی، محمود. ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران. تهران: نشر پیام، نشر پیوند نو، 1381.
- توسلی، محمود. قواعد و معیارهای طراحی فضای شهری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- سلطانزاده، حسین. روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران. تهران: نشر آگاه، 1362.
- صارمی، علی اکبر؛ راد مرد، تقی. ارزشهای پایدار در معماری ایران. تهران: نشر میراث فرهنگی، 1376.
- لنگ، جان. آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه عینی فر، علیرضا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1383.
- مدنی پور، علی. طراحی فضای شهری. ترجمه مرتضایی، فرهاد. تهران: انتشارات شرکت.
- هاشمی، فضل. حقوق شهری و قوانین شهرسازی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، 1371.
- هردگ، کلاوس. ساختار شکل در معماری اسلامی ایران و ترکستان. ترجمه تقی زاده مطلق، محمد. تهران: نشر بوم، 1376.



Summary:

The study of desert's architecture under title:

The structure of neighborhood architecture in the desert tentures of Iran

Key words: neighborhood, town, form, environment, human, behavioral needs and environmental reflection.

Man by utilizing from continental wisdom and with a correct perception from school of nature has created architectural atmosphere which is neighborhood and honored nowadays by every one. In the meanwhile the study of the system and pattern of neighborhood architectural structure, which itself is a result of this perception, is one of the main indicators of desert's tentures.

Desert architecture, is a face to face one; in this view that all elements which all together, hand in hand construct the neighborhood and ultimately the town, although in the form and structural point of view have an independent order, but in total they strive to create stable balance of town and neighborhood. The wall of a house on one side serves as a screen separating the outdoor and indoor environment and also serves as a fence to the inner space where as the other side of the same wall serves as the wall of the neighborhood that ultimately creates the town's appearance, therefore the way of reaching to a space is as important as being in that space.

Neighborhood architecture was conceived from man's visual sense and deep perception from his environment where nature is one of the most important teachers. **That which organizes and systemizes the neighborhood architecture is the behavioral perception and need assessment positively to all citizens' moral and materialistic requirements.**

In this article effort has been made to illustrate the features of neighborhood architecture like: close relationship, method of settlement, hierarchical order of access, visual features, Consistence with environment, radius of access and ... as a part of urban sustainable development and in some way to show the methods of visual relations which are compatible and alike among the spaces.

Ahmad Danaei Nia – Senior Expert (MA), Repair and Renovation of Historical Constructions